

گمشده ام

گمشده ام ، در یک قفس سرخ ، در یک باغ پر از گل‌های سرخ محبت و عشق ...

گمشده ام ، در قلب یک عاشق ، در قلب یک مجنون ...

گمشده ام ، در یک آغوش گرم ، در دشت پر از آرزو و امید ...

گمشده ام ، در کنار دریا ، لحظه غروب خورشید ، درون دست‌های گرم یک معشوق ...

گمشده ام ، در کوهستان و صحرا ، در آسمان و این دنیا !

من یک گمشده پر آوازه ام ، یک گمشده در دنیای قلبها !

آری همانم که دلم میخواهد تا آخر دنیا همان گمشده در آن قلب سرخ باقی بمانم !

آری من همانم که مجنونم ، و تو همانی که سالها در جستجوی اویم !

من همانم که عاشقم ، و تو همانی که همیشه در پناه اویم !

گمشده ام در این قلب سرخ و مهربانت ، زنده مانده ام با عطر نفس‌هایت ، آن صدای مهربانت و با آن خونی که در قلبت جاریست

آری من همانم که تو میخواستی و تو همانی که من آرزویش را داشتم ...

گمشده ام در یک خانه دل سرخ ، در یک دشت سرخ

گمشده ام و دیگر نمیخواهم پیدا شوم... دلم میخواهد همیشه و همیشه در این قلب مهربانت گمشده باشم ای نازنینم...



alifathi1385@yahoo.com